



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد تهران مرکزی  
دانشکده حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)  
گرایش: حقوق عمومی

عنوان:

بررسی قوانین محدود کننده مالکیت خصوصی

استاد راهنما:

دکتر احمد اسدیان

استاد مشاور:

دکتر اسدالله یآوری

نگارش:

بهاره صفی خانی

تابستان ۱۳۹۱

## چکیده:

مالکیت خصوصی یکی از حقوق عینی و نیز یکی از اصلی ترین حقوقی است که برای فرد در حوزه قانون مدنی تعریف شده است ولیکن قوانینی وجود دارند که عموماً از جانب دولت ها وضع می شوند و به بهانه های حقوقی و غیر حقوقی ،استفاده از این حقوق را برای ذی حق محدود می کنند.بنابراین از سویی با دولت که در ذیل حقوق عمومی تعریف می شود مواجه می شویم و از سویی دیگر با فرد و حقوق خصوصی او.

تصور فرد محروم از مالکیت حقوق خصوصی بسیار مشکل است بنابراین اگر قرار باشد قوانینی این حق را محدود و یا سلب کنند باید توجیهی ،قابل دفاع و محکم داشته باشند در حقیقت می توان این توجیه را به «عدالت» تعبیر کرد . عدالت فضیلتی است مطلوب و نیل به آن سعادت زایدالوصف است،اگر این رساله بتواند در بررسی قوانین محدود کننده مالکیت خصوصی ،نا عادلانه بودن برخی از آنها را نماینگر کند و پیشنهاد های اصلاحی خود را ارائه نماید در رسیدن به هدف اصلی خود کامیاب بوده است.

## واژگان کلیدی:

- مالکیت خصوصی
- دولت
- عدالت
- قوانین محدود کننده
- قوانین عادلانه یا ناعادلانه

## فهرست مطالب

### عنوان

### صفحه

|                                            |    |
|--------------------------------------------|----|
| مقدمه .....                                | ۱  |
| بخش اول کلیات .....                        | ۳  |
| فصل اول: تاریخچه و تعاریف .....            | ۴  |
| مبحث اول: پیشینه تاریخی مالکیت .....       | ۴  |
| مبحث دوم: تعریف و اوصاف مالکیت .....       | ۶  |
| مبحث سوم: اقسام مالکیت .....               | ۸  |
| گفتار اول: مالکیت دولتی .....              | ۸  |
| گفتار دوم: مالکیت عمومی .....              | ۹  |
| گفتار سوم: مالکیت خصوصی .....              | ۱۱ |
| فصل دوم: نظریه های مالکیت .....            | ۱۳ |
| مبحث اول: اسلام و مالکیت .....             | ۱۳ |
| مبحث دوم: مکاتب غربی و مالکیت .....        | ۱۴ |
| گفتار اول: لیبرالیسم و مالکیت .....        | ۱۴ |
| گفتار دوم: سوسیالیسم و مالکیت .....        | ۱۶ |
| فصل سوم: حقوق بشر و مالکیت .....           | ۱۸ |
| مبحث اول: تاریخچه و مبانی حقوق بشر .....   | ۱۸ |
| گفتار اول: سیر تکاملی مفهوم حقوق بشر ..... | ۱۹ |
| گفتار دوم: مبنای فکری مفهوم حقوق بشر ..... | ۲۱ |

|                                                                                   |     |
|-----------------------------------------------------------------------------------|-----|
| مبحث دوم: نسبت حقوق بشر و مالکیت .....                                            | ۲۳  |
| گفتار اول: جایگاه مالکیت در اندیشه‌های حقوق بشری .....                            | ۲۳  |
| گفتار دوم: حق مالکیت و اعلامیه جهانی حقوق بشر .....                               | ۲۴  |
| بخش دوم محدودیت‌ها .....                                                          | ۲۶  |
| فصل اول: قوانین محدود کننده مالکیت خصوصی .....                                    | ۲۷  |
| مبحث اول: دولت و مالکیت خصوصی .....                                               | ۲۷  |
| مبحث دوم: محدودیت‌های مالکیت در قانون اساسی .....                                 | ۵۶  |
| مبحث سوم: ماهیت حقوقی قوانین، مقررات و تصویب نامه‌های محدود کننده مالکیت .....    | ۶۴  |
| گفتار اول: ماهیت حقوقی تملک اراضی اشخاص از سوی دولت .....                         | ۶۴  |
| گفتار دوم: شرایط تملک املاک اشخاص .....                                           | ۶۸  |
| فصل دوم: ملاحظات در باره قوانین محدود کننده مالکیت خصوصی و نسبت آن با عدالت ..... | ۸۵  |
| مبحث اول: عدالت و تعاریف مختلف آن .....                                           | ۸۵  |
| مبحث دوم: جایگاه عدالت در قوانین محدود کننده مالکیت .....                         | ۹۹  |
| نتیجه‌گیری و پیشنهادات .....                                                      | ۱۰۲ |
| منابع .....                                                                       | ۱۰۵ |

## مقدمه

یکی از حقوقی که از دیرباز برای بشر شناسایی شده حق مالکیت است و این حق آن چنان مهم است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر جزء نخستین حقوق به آن تصریح شده و نیز این حق مانند سایر حقوق پایه که برای به رسمیت شناختن آن ها مبارزات و مناقشات زیادی صورت گرفته ، مورد مناقشه بوده و انواع محدودیت ها برای آن و در راه استقرار آن وجود داشته است ، زیرا مالکیت بعد از حق حیات ، یکی از اصلی ترین حقوق هر فرد انسانی است و اهمیت فراوان دارد، تصور فرد محروم از مالکیت خصوصی بسیار مشکل است بنابراین اگر قرار باشد قوانینی این حق را محدود یا سلب کنند باید توجیهی ، قابل دفاع و محکم داشته باشند ، درحقیقت در این رساله این توجیه را به عدالت تعبیر می کنیم و انگیزه انتخاب این موضوع را همان اصلی که بنام «عدالت» است قرار می دهیم انگیزه انتخاب این موضوع ، حس عدالت خواهی و ضرورت عادلانه بودن قوانین است.

دراین نوشتار پرسشهای عدیده ای مطرح می شود که این تحقیق می کوشد با بررسی عمیق و موشکافانه قوانین و مقررات حقوقی به آنها پاسخ دهد ، پرسش هایی از قبیل : مالکیت به چه معناست ؟ پیشینه مالکیت کدام است ؟ اوصاف اساسی آن چیست؟ اقسام مالکیت کدامند و نیز مهمترین پرسشی که این نوشته سعی در پاسخ به آن دارد این است که محدودیت های موجود برسر راه این حق کدامند؟ اگر محدودیت هایی در قالب قانون در مقابل حق مالکیت خصوصی ایجاد مانع می کنند ، ماهیت این قوانین چیست؟ به تعبیر دیگر قوانین محدودکننده مالکیت خصوصی کدامند؟ بررسی نسبت این قوانین با مفهوم عدالت وظیفه اصلی این رساله است ، به عبارت دیگر آیا همه این قوانین عادلانه اند و اگر نیستند موارد تقابل آنها با مفهوم عدالت کدامند؟

این موارد و پرسش هایی از این دست و کوشش در ارائه پاسخ به آنها هدف این نوشتار است اگر این رساله بتواند به این پرسش ها پاسخی قانع کننده بدهد و اندک نوری بر زوایای تاریک برخی از این پرسش ها بیندازد بی گمان در رسیدن به هدف خود موفق بوده است.

بخش اول این نوشته مشتمل بر کلیات دارای سه فصل است و بخش دوم آن با عنوان محدودیت ها دو فصل دارد ، در بخش کلیات با تاریخچه و اوصاف و اقسام مالکیت و رابطه حقوق بشر و مالکیت آشنا می شویم و در بخش دوم اقسام محدودیت ها بر سر این حق را می کاویم.

امید است این نوشته بتواند در ایفای وظیفه ای که بر عهده گرفته است موفق باشد.

بهاره صفي خاني

## بخش اول:

### کلیات

## فصل اول: تاریخچه و تعاریف

### مبحث اول: پیشینه تاریخی مالکیت

«مالکیت عنوانی است اعتباری که مبین نسبت و رابطه اشیاء با اشخاص است و در بردارنده مجموعه روابط و مناسباتی است که استیلا و تسلط انسان‌ها را بر اشیاء نشان می‌دهد.» بنا بر این تعریف، بین شیء موضوع مالکیت با شخص مالک علقه، وابستگی خاصی وجود دارد که اختصاصی است و مانع ورود اغیار در این رابطه می‌شود.<sup>۱</sup>

از دیدگاه تاریخی مالکیت سه مرحله را تا کنون پشت سر گذاشته است:

**مرحله اول:** این مرحله که به ادوار نخستین حضور بشر بر روی کره زمین مربوط می‌شود، روابط اجتماعی بسیار ساده بود و انسان‌ها با وسایل و ابزارهای ابتدایی و اولیه به جمع‌آوری و استفاده از نعمت‌های خداداد پیرامون خود می‌پرداختند. در این مرحله انسان‌ها دارای تفکراتی ساده و بسیط درباره پدیده‌های طبیعی بودند و به علت پایین بودن سطح آگاهی و فراوانی مجهولات و موهومات، برخورد با اشیای مادی پیرامون آنان انفعالی و کم‌اثر و ساده و فیزیکی بود و قدرت مختصر انبای بشر فقط در محدوده بسیار کوچکی اجازه اعمال تسلط و تصرف بر اشیاء می‌داد.

ویژگی مالکیت در این دوره اغلب وضع ید و اعمال استیلا به صورت تصرفات فیزیکی بوده است. انسان‌ها در این دوره با وسایل ابتدایی به شکار حیوانات و جمع‌آوری میوه‌ها و محصولات موجود در طبیعت می‌پرداختند و در حد بسیار نازل از مواد حاصل از کشت و زرع بهره می‌بردند و چون مجموعه این اعمال در بیشتر موارد با دست صورت می‌گرفت در سیر تاریخی تسلط بشر بر اشیاء این گونه تصرفات تحت عنوان «ید» به کار می‌رفت.<sup>۲</sup>

۱. بور، پریسا، انجمن حقوقدانان ایران [www.blogglow.com](http://www.blogglow.com)

۲. همان مأخذ

**مرحله دوم:** پس از گذشت قرن‌ها و پیچیده شدن روابط اجتماعی که در اکثر موارد تحت تأثیر مستقیم انبیاء صورت گرفت، نوع رابطه افراد با اشیا و نیز کیفیت این تعلقات پیچیده‌تر شد. به تدریج پیدایش گروه‌ها و اجتماعات انسانی، لزوم ذخیره سازی اشیا و کالاها بیش از پیش احساس شد و انسان‌ها اموال خود را برای تأمین احتیاجات آینده در اماکن خاصی انبار کردند و رابطه ساده فیزیکی بین اشیا و تصرفات عینی و خارجی جایی خود را به نوعی رابطه جدید داد که در واقع آن را می‌توان مرحله میانی در سیر تاریخی مالکیت به شمار آورد. در این مرحله هنوز کلیه مظاهر تصرفات فیزیکی از بین نرفته اما کیفیت جدیدی برای اعمال سلطه بر اشیا ظاهر شده بود. می‌توان گفت در این دوره مظاهر مالکیت مخلوطی است از مناسبات ساده و فیزیکی و مفهوم اعتباری مالکیت که در مرحله سوم اشاره خواهد شد<sup>۱</sup>..

**مرحله سوم:** در این مرحله که دوره تمدن امروزی نیز جزئی از آن است، مناسبات میان شخص و شیء بیشتر اعتباری شده است. در این دوره با توسعه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی، چون اعمال سلطه مستقیم و واقعی بر همه اشیا حاصل از کار و فعالیت شخصی و دسته جمعی ممکن نبوده بر اساس یک سلسله قراردادهای اجتماعی و تأسیسات حقوقی مالکیت و روش‌های اعمال آن، شکل و کیفیت اعتباری و قراردادی به خود گرفته است.

پس اگر در مرحله اول به طور مثال وجود یک تبر در دست یک فرد، مبین تعلق آن شیء به شخص مذکور بود، در مرحله سوم، وجود سند مالکیت یک خانه یا اتومبیل یا بُنچاق آن در دست شخص، نشان از تعلق خانه یا اتومبیل به وی دارد. همان طور که ملاحظه می‌شود به تناسب توسعه قدرت و سلطه انسان‌ها بر اشیاء چون هر روز تعداد بیشتری از اشیاء با کمیت و کیفیت‌های بالاتر و بزرگتر تحت تسلط انسان‌ها درآمده به گونه‌ای که وضع ید مستقیم و اعمال

---

۱. همان مأخذ

تصرف فیزیکی عملاً غیر ممکن گردیده مفهوم و شکل مالکیت نیز تغییر یافته و اسناد و نشانه‌ها که نشان دهنده تعلق و مالکیت هستند مورد استعمال پیدا کرده‌اند.<sup>۱</sup>

## مبحث دوم: تعریف و اوصاف مالکیت

### تعریف مالکیت

مفهوم مالکیت همیشه در حال تغییر است. به ویژه در قرن نوزدهم و بیستم با پیشرفت فکر ملی شدن اموال و صنایع، حدود مالکیت فردی دگرگون و حقوق افراد در برابر قوای عمومی محدود شده است. با توجه به مطلب فوق می‌توان مالکیت را چنین تعریف کرد:

«مالکیت حقی است دائمی که به موجب آن شخص می‌تواند در حدود قوانین تصرف در مالی را به خود اختصاص دهد و از تمام منافع آن استفاده کند.»<sup>۲</sup>

### اوصاف مالکیت

«مرسوم است که گفته شود مالکیت دارای سه وصف اساسی است:

۱. مطلق بودن

۲. انحصاری بودن

۳. دائمی بودن<sup>۳</sup>

۱. مطلق بودن: به موجب ماده ۳۰ قانون مدنی هر مالکی نسبت به مایملک خود حق هرگونه تصرف و انتفاع را دارد مگر در مواردی که قانون، استثنا کرده باشد.<sup>۴</sup>

بنابراین مالک، حق هرگونه تصرف را در ملک خود دارد و استثنای این قاعده باید در قوانین مطرح باشد. هر چند در حقوق کنونی این استثنایا چندان فراوان است که به دشواری می

---

۲. همان مأخذ

۱. کاتوزیان، ناصر، اموال و مالکیت، چاپ سی و سوم، بهار ۱۳۹۰، نشر میزان، ص ۱۱۰

۲. همان مأخذ

۳. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ بیست و ششم، پاییز ۱۳۸۵، نشر میزان، ص ۴۴

توان از اطلاق حق مالکیت سخن گفت، با این وجود مالکیت از حقوق عینی است و در برابر همه قابل استناد است و جامعه باید آن را محترم بشمارد.

۲. **انحصاری بودن:** نتیجه طبیعی اطلاق اختیار مالک و لزوم رعایت احترام آن از طرف تمام مردم، انحصاری بودن حق مالکیت است. مالک می‌تواند هر تصرفی را که مایل باشد در مال خود بکند و مانع از تصرف و انتفاع دیگران نیز بشود. مالکیت در مرحله ایجاد حق فردی است و قانون از این حق در برابر دیگران حمایت می‌کند.<sup>۱</sup>

ماده ۳۱ قانون مدنی در همین زمینه مقرر می‌دارد: «هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی‌توان بیرون کرد، مگر به حکم قانون.»<sup>۲</sup>

هرچند انحصاری بودن مالکیت خصوصی نیز به مفهوم گذشته آن باقی نمانده و از جهات گوناگون محدود شده است.

۳. **دائمی بودن:** این وصف در هیچ یک از مواد قانون مدنی تصریح نشده و حتی در مورد مالکیت منافع نیز، شرط مدت الزامی است. چنان چه ماده ۴۸۶ قانون مدنی می‌گوید: «در اجاره اشیا، مدت اجاره باید معین شود و گرنه اجاره باطل است ولی باید دانست گذشته از این مورد، حق مالکیت دائمی است و طبیعت آن با موقتی بودن منافات دارد و با مرگ مالک از بین نمی‌رود و فقط ممکن است به یکی از اسباب انتقال به دیگری منتقل شود.»<sup>۳</sup>

تا این جا با تعریف و اوصاف مالکیت آشنا شدیم و در مبحث اول تاریخچه این مفهوم را به اختصار بیان کردیم و در مبحث سوم به شرح و بررسی اقسام مالکیت می‌پردازیم.

---

۱. کاتوزیان، ناصر، اموال و مالکیت، چاپ سی و سوم، بهار ۱۳۹۰، نشر میزان، ص ۱۰۷  
۲. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ بیست و ششم، پاییز ۱۳۸۹، نشر میزان، ص ۴۵  
۳. کاتوزیان، ناصر، اموال و مالکیت، چاپ سی و سوم، بهار ۱۳۹۰، نشر میزان، صص ۱۰۸ و ۱۰۹

## مبحث سوم: اقسام مالکیت

### گفتار اول: مالکیت دولتی

مالکیت بر اساس رابطه میان مال و شخص به سه نوع مالکیت تقسیم می‌شود:

۱- مالکیت دولتی

۲- مالکیت عمومی

۳- مالکیت خصوصی

هر مکتبی بر اساس جهان‌بینی خود یک یا چند نوع از انواع مالکیت‌ها را باهم در نظر می‌گیرد. به طور مثال در مکتب سرمایه‌داری بر اساس جهان‌بینی خود مالکیت خصوصی را بر منابع یا عوامل تولید می‌پذیرند یا مکتب سوسیالیسم، مالکیت عمومی را می‌پذیرد و در اسلام هر سه مالکیت، بر اساس مقتضیات زمان پذیرفته می‌شود.

### انواع مالکیت دولتی

الف: یک بخش از ثروت‌های طبیعی است که پیش از این در تملک کسی قرار نگرفته و در عین حال از مباحات عامه به شمار نمی‌رود مثل زمین‌های موات و جنگل‌ها و....

ب: ثروت‌هایی که قبلاً در تملک دیگران بوده و به دلایلی مالکیت از دست آن‌ها خارج می‌شود و به مالکیت دولت در می‌آید، مالکیت دولتی به این معنی می‌باشد که ثروت‌ها یا منابع طبیعی یا هر چیزی که تحت مالکیت دولت باشد نمی‌تواند تحت مالکیت بخش خصوصی درآید، در واقع دولت‌ها از ثروت‌های طبیعی بهره‌برداری می‌کنند و می‌توانند درآمد خود را به دست آورند.

اما گاهی اوقات دولت اسلامی به علت ناتوانی در بهره‌برداری یا بنا به مصالح اجتماعی، حق بهره‌برداری یا استفاده از آن را به بخش خصوصی واگذار می‌کند.

مالکیت دولت در خصوص مهم ترین ثروت های خام و منابع طبیعی در هر جامعه موجب می شود که به طور طبیعی از پیدایش نابسامانی های اقتصادی از قبیل فقر و شکاف طبقاتی جلوگیری شود، به عبارت دیگر مالکیت دولتی از به وجود آمدن انحصارات جلوگیری می کند. دولت هایی که به طور مستقل اموالی در اختیار ندارند، برای تأمین نیازمندی های مادی خود محتاج دیگران هستند و آزادی عمل ندارند.

### گفتار دوم: مالکیت عمومی

به طور کلی ثروت ها و درآمدهایی که در اختیار دولت قرار می گیرند اعم از این که در حیطه مالکیت دولت باشند یا این که دولت فقط نظارت و اشراف داشته باشد، ثروت های عمومی نامیده می شوند. این ثروت ها عبارتند از:

زمین: در منابع فقهی زمین را به چند دسته تقسیم می کنند:

الف. زمین های موات

ب. زمین های آباد طبیعی

ج. زمین های مفتوحة العنوه

د. زمین های صلحی<sup>۱</sup>

الف. زمین های موات: زمین هایی که بالفعل قابل استفاده نیستند را زمین موات گویند. مانند زمین شورزار، به طور کلی زمین های موات از دو بخش تشکیل می شوند:

زمین های موات بالاصاله: زمین هایی که قبلاً آباد نبوده و در نتیجه به مالکیت کسی در نیامده یا سابقه آبادی یا آبادنبودن آن مشخص نبوده است، موات بالاصاله می گویند. این گونه زمین ها متعلق به دولت هستند.

---

۱. ماهنامه اقتصاد و توسعه، اسفند ۱۳۸۵ و فروردین ۱۳۸۶ شماره ۱۵ و ۱۶، ص ۴۳

زمین‌های موات بالعرض: زمینی را که سابقه آبادی در آن وجود داشته و سپس تبدیل به زمین موات شده است موات بالعرض می‌گویند.

ب: زمین‌های آباد طبیعی: زمین‌هایی که بدون دخالت دست بشر آباد و قابل استفاده است. به این نسبت که اکنون به صورت جنگل و مرتع است یا این که برای کاشتن نیازی به تسطیح زمین و فراهم کردن آب و مانند آن ندارد،<sup>۱</sup>

ج: زمین‌های مفتوحة العنوه: زمین‌هایی که در اثر جهاد با کفار به مسلمین در طی جنگی به آنها منتقل شده است و اراضی آن‌ها شامل باغ‌ها، ساختمان‌های آن و ... در مالکیت عموم قرار گیرد. این گونه اراضی را نمی‌توان تقسیم کرد و نه می‌توان معامله و خرید و فروش کرد. این گونه زمین‌ها از نظر مالکیت در مالکیت عموم مسلمین قرار دارد و حتی دولت هم حق فروش و یا واگذاری آن‌ها را ندارد و وظیفه دولت فقط نظارت و مدیریت مصرف آن در جایی است که مصالح عموم را در بر داشته باشد.

د: زمین‌های صلحی: زمین‌هایی که یا از روی اجبار یا بدون اجبار به تصرف درآمده و به مسلمین منتقل می‌شود. در این مواقع ممکن است قراردادی میان صاحبان آن‌ها و حکومت منعقد شود که به صلح‌نامه معروف است.<sup>۲</sup>

۲- معادن: امروزه یکی از مهم‌ترین منابع طبیعی هستند که نقش عمده‌ای در تولید کالا دارند و خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف: معادن ظاهری (سطحی): معدنی که روی زمین قرار دارد و یا تا سطح زمین فاصله چندانی ندارد و یا برای بهره‌برداری آن به حفاری یا اجرای عملیاتی مشابه حفاری نیازی ندارد به عبارت دیگر می‌توان گفت مقصود از معادن ظاهری معدنی است که روی زمین قرار دارد و برای دستیابی به آنها نیاز به انجام دادن کاری نیست

۱. همان مأخذ ص ۴۳

۲. همان مأخذ ص ۴۳

ب:معادن باطنی( عمقی):معادنی که در عمق زمین قرار دارند و برای دستیابی به مواد آن باید اقدام به حفاری کرد معادن چه ظاهری و چه باطنی در مالکیت دولت قرار می گیرند و از انفال هستند، حتی معادنی هم که در ملک های خصوصی قرار دارند متعلق به دولت هستند.<sup>۱</sup>

۳-مباهات عامح(اموال همگانی):آن دسته از منابع طبیعی یا به طور کلی ثروت هایی که نه در مالکیت دولت و نه در مالکیت فرد قرار می گیرد به انها مباهات عامح می گویند.عموم مردم بنا به قواعد و اصولی . می تواننداز آن استفاده کنند مانند دریاچه ها و چوب های جنگل ها و مراتع.

نقش دولت در این موارد،مصرف صحیح و بهره برداری صحیح از این منابع می باشد دولت گاهی اوقات می تواند بنا به مصالح اجتماعی بهره برداری از منابع را ممنوع کند در مورد مباهات عامه باید توجه کرد که افراد مقداری از آن منابع را که حيازت کرده اندمالک آن می شوند بنابراین مالکیت مباهات عامح تحت مالکیت دولت یا فرد نیست بلکه مالکیت عمومی بر آن حاکم است.<sup>۲</sup>

### گفتار سوم: مالکیت خصوصی

اگر شیء یا اشیایی را به شخص یا اشخاص معینی اختصاص دهند، مالکیت خصوصی نام دارد. مثلاً اگر منابعی را به شخص یا اشخاص معینی دهند و مالکیت آن منابع در مالکیت اشخاص باشد مالکیت خصوصی بر آن منابع حاکم است. در فلسفه اسلامی برای مالکیت خصوصی باید علل و اسبابی وجود داشته باشد تا منابع در مالکیت خصوصی افراد درآید که به آن اسباب مالکیت گویند. به عبارت دیگر آن دسته از علل و موجباتی را که باعث بوجود آمدن

---

۱. همان مأخذ ص ۴۳

۲. همان مأخذ ص ۴۴

حق برای فرد می‌شود اسبابی برای مالکیت خصوصی افراد می‌گویند که خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

اسباب قانونی مالکیت و حق ابتدایی: که خود به دو دسته مهم تقسیم می‌شوند:

۱- احیاء: یکی از علل یا موجبات مالکیت ابتدایی برای ثروتهای غیر منقول احیا است. احیا يك مفهوم عرفي است که مرجع درستی و نادرستی آن عرف است. به نظر عرف، احیا در کلیه این ثروت‌ها یکسان نیست. زیرا معیار اساسی را باید برحسب بهره‌برداری از آن ثروت‌ها در نظر گرفت، در بهره‌برداری از این ثروت‌ها باید به گونه‌ای عمل کرد که از حالت سابق خود خارج شوند و آماده بهره‌وری شوند.

۲- حیازت: به معنای در قلمرو خود چیزی را گرفتن است. حیازت موجب می‌شود تا حیازت کننده آنچه را که حیازت کرده است مالك شود. آن دسته از ثروتهای طبیعی را که جزء مباحات عامه منقول است می‌توان حیازت کرد. یعنی ثروتهای طبیعی که در مالکیت کسی قرار ندارند و در عین حال می‌توان آن را نقل و انتقال داد، ماهی‌ها، صحرا، حیوانات، پرندگان و ... از جمله مواردی است که می‌توان حیازت کرد.<sup>۱</sup>

### اسباب مالکیت و حقوق انتقالی

آن علل و موجباتی را که باعث انتقال حق مالکیت ثروتهای طبیعی به شخص یا اشخاص دیگر می‌شود اسباب انتقالی مالکیت می‌گویند.<sup>۲</sup>

---

۱. همان مأخذ ص ۴۴

۲. همان مأخذ ص ۴۵

## فصل دوم: نظریه‌های مالکیت

### مبحث اول: اسلام و مالکیت

مالکیت در اسلام شکل ویژه‌ای دارد که نمونه آن را به ندرت می‌توان در مکاتب و جهان‌بینی‌های دیگر یافت. بر اساس آنچه در قرآن آمده مالکیت در اسلام دارای سلسله مراتبی به شرح زیر است:

۱. مالکیت الهی: قرآن مالکیت حقیقی در جهان را از آن خدا می‌داند و تأکید می‌کند آن چه در اختیار انسان قرار دارد از سوی خداوند به او بخشیده شده است و با اراده او این مالکیت ادامه پیدا می‌کند و یا از انسان گرفته می‌شود:

«حاکمیت آسمان‌ها و زمین و آن چه در آن هاست از آن خداوند است و او بر همه چیز تواناست.»<sup>۱</sup>

۲. مالکیت اولیای الهی: خداوند پس از این که خود را مالک همه چیز و همه کس معرفی می‌کند در درجه دوم مالکیت از آن فرستادگان ویژه و اولیای الهی که از سوی او برگزیده شده‌اند می‌داند و می‌فرماید: «پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است.»<sup>۲</sup>

۳. مالکیت فردی: هرچند اسلام، مالکیت را در درجه اول و دوم در اختیار خود و اولیای خود می‌داند، اما در نهایت در جامعه اسلامی، مالکیت فردی را به رسمیت می‌شناسد و حتی با وضع قوانین و مقررات بسیار دقیق و سختگیرانه از حقوق مردم در برابر متجاوزان دفاع می‌کند، «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را به ناحق نخورید، مگر این که تجارتي از روی رضایت در میان شما انجام گیرد.»<sup>۳</sup>

اما مالکیتی را که خداوند به رسمیت می‌شناسد مانند مالکیت خصوصی بی‌حد و مرز در نظام سرمایه‌داری امروز نیست که از يك سو موجب شود گروهی با انباشت ثروت بر اموال خود

۱. سوره مائده، آیه ۱۲۰

۲. سوره احزاب، آیه ۶

۳. سوره نساء، آیه ۲۹

ببفزايد و از سوي ديگر گروهی در فقر و فلاکت به سر برند. براي اين منظور خداوند علاوه بر وضع قوانيني مانند خمس<sup>۱</sup>، زکات<sup>۲</sup>، صدقه<sup>۳</sup> و... به توزيع عادلانه ثروت و مبارزه با احتکار و مال‌اندوزي توجه بسيار کرده است.

«و همه کسانی را که طلا و نقره می‌اندوزند و در راه خدا هزینه نمی‌کنند به عذابي دردناک بشارت ده.»<sup>۴</sup>

بر اين اساس صاحبان ثروت حق ندارند در زماني که جامعه گرفتار فقر و محرومیت است دارايي خود را از جريان اقتصاد خارج کنند هر چند وجوهات شرعي را پرداخت کرده باشند. با بررسی ملاحظات فوق مشخص می‌شود اسلام مالکیت خصوصي را به رسمیت می‌شناسد و براي حقوق مالي افراد احترام و اعتبار قائل است هرچند با احتکار و انباشت سرمایه مخالف است. به عبارت دیگر می‌توان گفت: اسلام به نوعي سرمایه‌داري تعدیل شده را باور دارد که در آن حقوق فقرا رعایت می‌شود و از استثمار و بهره‌کشی خبري نیست.

## مبحث دوم: مکاتب غربی و مالکیت

### گفتار اول: لیبرالیسم و مالکیت

لیبرالیسم یکی از شایع ترین آموزه‌های فلسفي – سياسي عصر حاضر است. در قاموس سياسي، لیبرالیسم فلسفه‌اي است مبتني بر اعتقاد به اصل آزادي که در رنسانس و همچنین اصلاح دینی نهفته است.<sup>۵</sup> «مفهوم اصلي ایدئولوژی لیبرالیسم، آزادي شهروندان در سایه حکومت محدود به قانون است. هدف اصلي ایدئولوژی لیبرالیسم از آغاز پیدایش، مبارزه با قدرت مطلقه و خودکامه و خودسر بود. لیبرالیسم نخست بر ضد حکومت مطلقه کلیسا در غرب

۱. سوره انفال، آیه ۴۱

۲. سوره بقره، آیه ۱۱۰

۳. سوره طلاق، آیه ۷

۴. سوره توبه، آیه ۳۴

۵. قادري، حاتم، اندیشه‌های سياسي در قرن بیستم، انتشارات سمت، ص ۱۷

و سپس در مقابل حکومت شاهان مطلقه قد برافراشت. به جاي قدرت مطلقه، قدرت محدود و مشروط و به جاي قدرت خودکامه و خودسر، قدرت قانوني آرمان اصلي ليبراليسم بوده است. از اين رو قانون‌گرایی، تفکيک قوا، رعايت حقوق بشر و حکومت مبتني بر نمايندگي از اصول ليبراليسم محسوب مي‌شوند. برخي از نويسندگان ليبراليسم را با نظام بازار آزاد و اقتصاد سرمايه‌داري بازاری همبسته (برابر) مي‌دانند. ليبراليسم خواهان ايفاي حقوق اساسي شهروندان است که از آن جمله آزادي يا حق مالکيت است.<sup>۱</sup>

مالکيت خصوصي از دیدگاه ليبراليسم يکي از ابزارهاي اصلي حفظ و استمرار آزادي سياسي است. مالکيت خصوصي يکي از منابع اصلي خودمختاري فرد و مقاومت وي در مقابل قدرت حکومت است. ديويڊ هيوم، فيلسوف انگليسي، مالکيت خصوصي را از اساس نهادهاي دموکراسي مي‌دانست، به نظر وي، کردارها و عادات مربوط به مالکيت، عقد قرارداد، تجارت و حسابگري و ... عامل مساعدي در رعايت قوانين است.

اگر دقيق به موضوع بنگريم، متوجه مي‌شويم که داد و ستد روحية تساهل و مدارا را تقويت مي‌کند زيرا لازمه داد و ستد رفتار غيرشخصي و عدم توجه به ويژگي‌هاي فکري و فرهنگي و مذهبي طرف معامله است.

بنابراين در ايدئولوژي ليبراليسم، يکي از پايه‌اي ترين و حياتي‌ترين اصول، اصل آزادي مالکيت يا مالکيت خصوصي است. ليبراليسم، مالکيت خصوصي را به طور قوي توصيه و تجويز مي‌کند و هر نوع هجوم و دستبرد به اين حق را بر نمي‌تابد و تحمل نمي‌کند.

---

۱. بشيريه، حسين، آموزش دانش سياسي، انتشارات نگاه معاصر، چاپ ۸، سال ۱۳۸۶، ص ۱۲۴

## گفتار دوم: سوسیالیسم و مالکیت

سوسیالیسم یا جامعه باوري اصطلاحی است که از واژه سوسیال به معنای اجتماعی از زبان فرانسه گرفته شده است و معانی بسیار دارد.<sup>۱</sup> ولیکن تعریف معمول این اصطلاح را در واژه‌نامه انگلیسی آکسفورد

چنین می‌توان یافت:

سوسیالیسم تئوری یا سیاستی است که هدف آن مالکیت یا نظارت جامعه بر وسایل تولید، سرمایه، زمین، اموال و جز آنها و به‌طور کلی و اداره آنها به سود همگان است. اما یک تعریف بی‌چون و چرا از سوسیالیسم ممکن نیست زیرا مفهوم «مالکیت و نظارت عمومی» بسیار مبهم است و بر سر آن همراهی نهایی وجود ندارد. مهمترین عنصر مشترك نظریه‌های سوسیالیست، تکیه بر برتری جامعه و سود همگانی بر فرد و سود فردی است.

از جهت تاریخی، سوسیالیسم طغیانی است بر ضد فرد باوري و لیبرالیسم اقتصادی عصر جدید. به عقیده این مکتب، دخالت اکثریت و دولت در مقام نمایندۀ اکثریت می‌تواند نفع عمومی را از دستبرد افراد در امان دارد.

بعضی ریشه‌های سوسیالیسم را تا نخستین نظریه‌های اخلاقی و دینی مُشوق برابری و همکاری آرمان شهری و یا آرمان شهر افلاطون به عقب می‌برند. اما سوسیالیسم جدید در واقع فراورده مستقیم انقلاب صنعتی برای اکثریت جامعه و به‌ویژه طبقه کارگر است.

نخستین سوسیالیست‌ها کسانی بودند که به یک سیستم اجتماعی اعتقاد داشتند و آنچه همگی یک زبان با آن مخالف بودند نظام فردی اقتصاد موجود بود. سوسیالیسم از آغاز پیدایش خود بر مدعاهای فرد در مقام عضو جامعه - نه در برابر جامعه - تکیه کرده است و هدف آن پدید

---

۱. مصطفایی، مه‌ری، مقاله سوسیالیسم چیست؟ برگرفته از سایت [www.daneshjv.ir](http://www.daneshjv.ir) مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۲